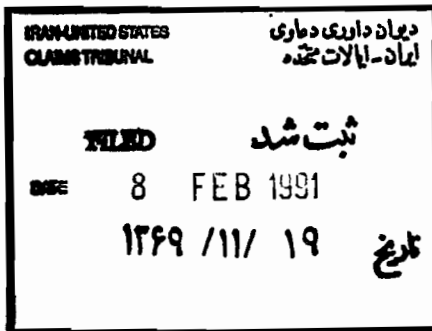


پرونده شماره ۳۵۰

شعبه دو

حکم شماره ۵۰۴-۳۵۰-۲



آراکل خواجه طوریانس،

آندرانیک خاچاطوریانس،

آریک خواجه طوریانس،

آستیک خواجه طوریانس،

خواهانها،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،

وزارت راه و ترابری،

بانک مرکزی ایران،

بانک بازرگانی ایران،

بانک تجارت و

بانک تجارتي ایران و آلمان،

خوانندگان.


تصحیح متن فارسی حکم

بدین وسیله تصحیحات زیر در متن فارسی حکم این پرونده که در ۱۳۶۹/۱۱/۵ [۲۵ ژانویه ۱۹۹۱] ثبت شده است انجام میگردد.

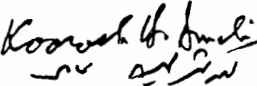
- ۱ - صفحه ۲، بند ۲، خط ۲ باید باین طریق خوانده شود:
... خواهانها بابت مانده وجه الضمان ضمانتنامه های ...
- بند ۳، خط ۳:
... دیوان از ...
- ۲ - صفحه ۵، بند ۸، خط ۴ باید باین طریق خوانده شود:
... و ادعا می کند که پس ...
- بند ۸، خط ۹:
... [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ...
- بند ۹، خط ۱:
... سال ۱۳۳۷ [۱۹۵۸] ...
- ۳ - صفحه ۶، بند ۱۰، خط ۱۲:
... [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ...
- بند ۱۱، خط ۲:
... که آنان اقدام ...
- ۴ - صفحه ۷، بند ۱۴، خط ۳ و ۴:
... [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ...
- ۵ - صفحه ۹، بند ۱۹، خط ۳:
... تفوق داشته است ...

نسخه ای از صفحات تصحیح شده پیوست می باشد.

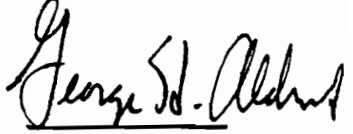
لايه، بتاريخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۹ برابر با ۳۱ ژانویه ۱۹۹۱


روبرت بهرینر
رئیس شعبه دو

به نام خدا


کورش ح. عاملی

کورش ح. عاملی


جرج اچ. آلدریج

یک - جریان رسیدگی

۱ - خواهانها، آراکل خواجه طورینس ("آراکل")، آندرانیک خاچاطوریانس ("آندرانیک")، آریک خواجه طورینس ("آریک") و آستفیک خواجه طورینس ("آستفیک") (کودک صغیری که پدرش به ولایت وی اقدام می‌کند) ("اختصاراً" خواهانها) در تاریخ ۲۸ دیماه ۱۳۶۰ [۱۸ ژانویه ۱۹۸۲] دادخواستی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران، وزارت راه و ترابری، بانک مرکزی ایران، بانک بازرگانی ایران، بانک تجارت و بانک تجارتي ایران و آلمان (د. ای. ها) ("خواندگان")، به ثبت رساندند و بابت سلب مالکیت ادعائی از سهام خود در شرکت ساختمانی نصب و حسابهای مختلف در بانک بازرگانی (بانک تجارت کنونی) و یک قطعه زمین، ساختمان دفتری، خانه و اموال منقول و همچنین بابت زیان ناشی از امتناع بانک د. ای. ها از تبدیل وجوه ریالی به دلار آمریکا به نرخ رسمی، که حسب ادعا در تاریخ ۱۷ مهرماه ۱۳۵۸ [نهم اکتبر ۱۹۷۹] یا حوالی این تاریخ به دستور بانک مرکزی ایران به عمل آمده و در نتیجه خواهان مجبور به تبدیل ارز در "بازار آزاد" شده، مبلغ ۵،۰۲۵،۴۷۵/۲۰ دلار مطالبه کردند. خواهانها اظهار می‌دارند که ادعاهای آنها به استثنای یک فقره مربوط به د. ای. ها در تاریخ یا تاریخهای نامعینی پیش از دسامبر ۱۹۷۹ که آراکل طی سفر خود به ایران از سلب مالکیت ادعائی اطلاع حاصل کرد ایجاد شده‌اند.

۲ - خواننده بانک تجارت دادخواست متقابلی علیه خواهانها ثبت و مبلغ ۷۱،۹۳۰،۵۳۱/- ریال که حسب ادعا خواهانها بابت مانده وجه‌الضمان ضمانتنامه‌های بانکی صادره توسط شرکت ساختمانی نصب به نفع وزارت راه و ترابری بدهی داشته‌اند مطالبه کرده است.

۳ - پرو تصمیم شماره الف ۱۸ - ۳۲ دیوان عمومی در تاریخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴] در پرونده جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، منتشره در 5 Iran-U.S. C.T.R. 251، دیوان از خواهانها درخواست کرد هر ادله کتبی دیگری را که مایلند دیوان در تعیین اینکه آیا خواهانها اتباع ایالات متحده

۸ - آندرانیک خاچاطوریانس در سال ۱۳۳۴ [۱۹۵۵] در تهران متولد شد و دوران کودکی خود را در ایران گذراند. وی اظهار می‌دارد که در ۱۹۷۱ با رواید مهاجرت به ایالات متحده نقل مکان کرده است. وی از سپتامبر ۱۹۷۴ تا هنگام فراغت از تحصیل در ژوئن ۱۹۷۴ در دبیرستان جان مارشال لوس آنجلس تحصیل کرد و ادعا می‌کند که پس از فراغت تحصیل از آن دبیرستان تا ۱۹۸۵ که به استخدام سکوریتی نشنال بانک در گلندیل کالیفرنیا درآمد در ایالات متحده مشاغل متفرقه و غیر مشخصی داشت. وی اذعان دارد که در ایران صاحب اموالی است ولی در لوایح خود اظهار داشته که «از زمان ورود به ایالات متحده در ۱۹۷۱ با ایران ارتباط اساسی نداشته و از زمان بروز ادعا تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در ایران اقامت یا کار و به آن کشور مسافرت نکرده است». وی در ۲۹ اسفندماه ۱۳۵۶ [۲۰ مارس ۱۹۷۸] به تابعیت ایالات متحده درآمد.

۹ - آریک خواجه طوریانس در سال ۱۳۳۷ [۱۹۵۸] در تهران متولد شد و دوران کودکی خود را در ایران گذراند. وی اظهار می‌دارد که در ۱۹۷۱ با رواید مهاجرت به ایالات متحده نقل مکان کرده است. وی بعد از دو سال تحصیل در دبیرستان واشنگتن ایروینگ لوس آنجلس، در ژوئن ۱۹۷۳ به دبیرستان جان مارشال رفت و از سپتامبر ۱۹۷۳ تا دسامبر ۱۹۷۵ در آن دبیرستان تحصیل کرد. وی اظهار می‌دارد که سپس وارد ارتش ایالات متحده شد و در ایالت کالیفرنیا مستقر بود و در ۱۹۸۱ خدمت نظام خود را با موفقیت به پایان رساند. وی اذعان دارد که در ایران صاحب اموالی است ولی در لوایح خود اظهار داشته که «از زمان ورود به ایالات متحده در ۱۹۷۱ با ایران ارتباط اساسی نداشته است». وی اذعان می‌کند که سوگند تابعیت ایالات متحده را ادا نکرده هرچند که حائز کلیه شرایط دیگر کسب تابعیت بوده است. در تاریخ هشتم خردادماه ۱۳۶۹ [۲۹ مه ۱۹۹۰] آراکل به دیوان اطلاع داد که آریک در حادثه موتورسیکلت کشته شده است. هیچگونه اطلاعی درمورد تاریخ مرگ و هویت وارث و وضع ادعای آریک بعد از مرگ وی در اختیار دیوان گذارده نشده است.

۱۰ - آستیک خواجه طورینس در سال ۱۳۴۴ [۱۹۶۵] در تهران متولد شده و اوایل کودکی خود را در ایران گذراند. آراکل که دعوا را از طرف این دختر صغیر خود طرح کرده اظهار می‌دارد که وی در ۱۹۷۱ با سایر اعضای خانواده خود با رواید مهاجرت به ایالات متحده نقل مکان کرد و از سپتامبر ۱۹۷۱ تا ژوئن ۱۹۷۵ در دبستان اتواتر اونو در لوس آنجلس و از سپتامبر ۱۹۷۶ تا ژوئن ۱۹۷۷ در دبستان شبانه روزی هاوارد، سانتا باربارا در کالیفرنیا تحصیل می‌کرد و در سال تحصیلی ۱۹۷۷-۱۹۷۸ در آن دبستان مشغول تحصیل بود. آراکل اظهار می‌دارد که آستیک تا ژوئن ۱۹۸۲ به تحصیل در دبستان هاوارد ادامه داد و در این سال به مدرسه آمادگی الیوت پوپ در آیدل وایلد کالیفرنیا رفت. آراکل اذعان دارد که وی در ایران صاحب اموالی می‌باشد ولی در لوایح خود اظهار داشته که "از زمان ورود به ایالات متحده در ۱۹۷۱ با ایران ارتباط اساسی نداشته و از زمان بروز ادعاها تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران سفر یا در آن کشور اقامت یا کار نکرده است. وی در دوم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۳ نوامبر ۱۹۷۹] هنگامی که پدرش تابعیت ایالات متحده را کسب نمود به موجب قانون به تابعیت امریکا در آمد.

سه - دلایل حکم

۱۱ - آراکل، آندرانیک، آریک و آستیک همگی در ایران متولد شده و به استناد تابعیت ایرانی پدر خود تابعیت ایران را تحصیل کرده‌اند. بحثی نیست که آنان اقدام قانونی لازم برای لغو تابعیت ایرانی خود معمول نداشته‌اند. بنابراین دیوان معتقد است که هر چهار نفر در تمام عمر خود تبعه ایران بوده‌اند.

۱۲ - طبق فتوکی‌های گواهی تابعیت که به عنوان مدرک تسلیم شده، آراکل و آستیک در دوم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۳ نوامبر ۱۹۷۹] و آندرانیک در ۲۹ اسفندماه ۱۳۵۶ [۲۰ مارس ۱۹۷۸] به تابعیت ایالات متحده در آمدند. بنابراین به نظر دیوان سه نفر نامبرده از تاریخهای مذکور اتباع ایالات متحده نیز بوده‌اند.

۱۳- ولی آریک هیچگاه تبعه آمریکا نشد. همانطور که در لوایح خود اذعان کرده، وی هیچگاه سوگند تابعیت را که یکی از شروط اساسی تابعیت می‌باشد ادا نکرده است. به موجب ماده ۱۴۴۸ (الف) جلد ۸ مجموعه قوانین ایالات متحده «به منظور کسب تابعیت، متقاضی تابعیت باید پیش از اعطای آن در دادگاه علنی سوگند ادا کند...» نظر به اینکه آریک در کلیه اوقات قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] منحصرًا تبعه ایران باقی ماند دیوان نتیجه می‌گیرد که نسبت به ادعای وی صلاحیت ندارد.

۱۴- نظر به اینکه آراکل، آندرانیک و آستیک اتباع هر دو کشور ایران و ایالات متحده بوده‌اند دیوان باید تعیین کند که کدامیک از تابعیت‌های آنها طی دوره ذریبط از زمان بروز ادعاها تا هنگام امضای بیانیه‌های الجزیره در ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] غالب و موثر بوده است. پرونده الف ۱۸ مذکور فوق. بدین منظور دیوان «کلیه عوامل ذریبط از جمله اقامتگاه عادی، مرکز علایق و منافع و پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی عمومی و سایر شواهد وابستگی» را در نظر خواهد گرفت همان ماعخذ. این عوامل باید «در ارتباط با دوره بروز ادعا و قبل و بعد از آن» بررسی شود، حکم شماره ۲-۲۳۷-۲۰۴ مورخ ششم آذرماه ۱۳۶۴ [۲۷ نوامبر ۱۹۸۵] در پرونده لیلا دانش ارفع محمود و جمهوری اسلامی ایران، منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. 350,353.

۱۵- آراکل تمام عمر خود پیش از سال ۱۹۷۱ را در ایران گذرانده، در آن کشور کار و با یک زن ایرانی ازدواج کرده و صاحب فرزندانی شده و ایشان را در ایران بزرگ کرده است. هرچند آراکل اظهار می‌دارد که در ۱۹۷۱ به ایالات متحده نقل مکان نمود و این امر با خرید مستغلات و ثبت نام فرزندانش در مدرسه تائید می‌شود، مدارک نشان می‌دهد که حتی پس از آن تاریخ هم پیوندهای اصلی آراکل کماکان با ایران بجای ماند.

در ایران گذراند. آراکل اذعان می‌کند که حتی در دسامبر ۱۹۷۹ نیز به ایران مسافرت کرده و علایق مهم تجاری و شخصی وی، سفرهای متعددی را نیز پیش از آن تاریخ محتمل می‌نماید. این امارات که آراکل کماکان اوقات فراوانی را در ایران می‌گذرانیده، به این موضوع که نسخه گذرنامه ایرانی وی به عنوان مدرک ارائه نشده اهمیت ویژه‌ای می‌بخشد زیرا گذرنامه وی موارد ورود و خروج وی از ایران را به طور مستند نشان می‌داد.

۱۹- مدارک موجود در این پرونده موید این نظر نیست که پیوندهای آراکل با ایالات متحده، که با کسب تابعیت داوطلبانه ایالات متحده از جانب وی در نوامبر ۱۹۷۹ مشهود است، بر پیوندهای مداوم وی با ایران تفوق داشته است. رجوع شود به بند ۲۴ حکم صادره در پرونده محمود، مذکور در فوق. بنابراین دیوان نتیجه می‌گیرد که آراکل نتوانسته ثابت کند تابعیت غالب و موثر وی در هنگام بروز ادعاها تابعیت ایالات متحده بوده است.

۲۰- در مورد آندرانیک و آستیک، دیوان ملاحظه می‌کند که ادله‌ای که آنها درباره تابعیت غالب و موثر خود تسلیم کرده‌اند بسیار معدود است. ادله کتبی آنها صرفاً عبارت است از نسخ گواهی کسب تابعیت ایالات متحده، کارنامه‌های تحصیلی که نشان می‌دهد بعد از ۱۹۷۱ چند سال در مدارس ایالات متحده تحصیل کرده‌اند. حتی این ادله کتبی به علت اینکه آندرانیک در ۱۹۷۴ از دبیرستان فارغ‌التحصیل شده و نیز به این علت که چندین سال از مدتی را که آستیک حسب ادعا مشغول تحصیل بوده در بر نمی‌گیرد ناقص است. به علاوه، تحصیل در ایالات متحده الزاماً به مفهوم پیوند فرد با آن کشور نیست. علاوه بر آن هیچیک از خواهانها شهادتنامه یا ادله دیگری در تائید اظهارات مندرج در لوائح خود ارائه نداده‌اند: تنها "شهادتنامه" ای که به ثبت رسیده چیزی بیش از لایحه معارضی از طرف آراکل، حاوی استدلالاتی درباره واقعیت‌های معدودی که در پرونده وجود دارد، نمی‌باشد.